جهانی شدن و هویت ایرانی

دریافت مقاله:۸۹/۶/۴ پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۱۲
صفحات: ۴۰-۲۵

زهرا احمدی پور: دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس[1]
Email: Ahmadyz@modares.ac.ir
طهمورث حیدری موصلو: دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
Email:Tahmores_heidari@yahoo.com
احسان لشگری: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس
Email:lashgari@modares.ac.ir

چکیده

جهانی شدن به مثابه روندی فراگیر، کلیه ابعاد زندگی فردی و گروهی بشر را در گسترهٔ هویت، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ... متأثر ساخته است که این خود بر پیچیدگی و ابهامات این مسئله افزوده است. از آن‌جا که جهانی شدن را باید یکی از اصلی‌ترین عوامل توجه مجدد به مقوله هویت ملی دانست؛ پس این فرایند، نیرویی برای همگن سازی ساده نیست، که از طریق آن یک فرهنگ بتواند سایر هویت‌ها را نابود کند. کشور ایران با برخورداری از فرهنگ و تمدن غنی در طول تاریخ چند هزار ساله‌اش پیوسته از توالی زمانی در امر هویتی خود؛ برخوردار بوده و با اینکه در دوره‌های گوناگون صورت‌های متفاوتی به خود گرفته، اما هرگز اصالت ایرانی بودن آن مخدوش نشده است. از طرفی هم، هر چند دگرگونی‌هایی در لایه‌های سطحی فرهنگ و هویت ایرانی پدید آمد؛ اما هیچ‌گاه نتوانستند به ژرفای هویت ایرانیان رسوخ پیدا کنند. همچنین این فرهنگ و تمدن ایرانی با خدماتی که به گسترش میراث مشترک تمدن بشر کردند، همراه با اقوام مختلف موجود در همسایگی خود، هویتی ویژه‌ی خود را پدید آوردند که در خلال روزگاران گسترش یافته و تکامل پیدا کرده است. در فرایند جهانی شدن، علاوه بر انقلاب ارتباطات و اطلاعات؛ دو رویداد بزرگ و پر اهمیت تاریخی دیگر در دو دهه‌ی آخر قرن بیستم مسئله هویت را برای ایران و پیش روی ایرانیان مطرح ساخت؛ یکی انقلاب اسلامی و اسلام گرایی که در قالب هویت جدید بعد از دهه ۱۹۸۰ بروز یافت و دیگری فرو ریختن نظام جهانی دو قطبی در دهه‌ی ۱۹۹۰ که منجر به از میان رفتن موازنه ژئوپلیتیک در جهان سیاسی شد. در این

[1]. نویسنده مسئول: تهران- پل گیشا- دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم انسانی- گروه جغرافیا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تحقیق کوشش گردیده با روش توصیفی – تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی از یک جهت، هویت ایرانی تبیین شود و از جهت دیگر به ذکر فرصت‌ها و چالش‌های هویت ایرانی در فرآیند جهانی شدن پرداخته شود.

کلید واژگان: جهانی‌شدن، هویت، هویت ایرانی، چالش‌های هویت ایرانی در فرآیند جهانی شدن.

مقدمه

اصطلاح جهانی شدن نمایان‌گر گسترش دامنه کنش و واکنش انسان و اجتماعات انسانی در پهنه کره زمین است. از این رو برخی از صاحب نظران کروی شدن را برابر نهاد این واژه دانسته‌اند. زیرا واژه Golobal به مفهوم کروی است. جهانی شدن به مثابه روندی فراگیر، کلیه ابعاد زندگی فردی و گروهی بشر را گستره فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ... متأثر ساخته است که این خود بر پیچیدگی‌ها و ابهامات افزوده است(حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۲). همچنین، جهانی‌شدن به عنوان فرایندی که از اواخر قرن بیستم نمود یافته، آمیزه‌ای از روندهای گوناگون است که در ابعاد مختلفی تجلی می‌یابد. در واقع، گستردگی زوایای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فرایند جهانی شدن از زوایای مختلف بر زندگی اجتماعی و فردی شهروندان کشورهای مختلف تأثیر گذاشته است. همچنین، مرزهای فرهنگی و هویتی کشورها نیز تحت تأثیر جدی این پدیده قرار می‌گیرند و باعث می‌شوند که هویت‌های ملی نیز با چالشی اساسی رو به رو شوند.

در این راستا، کشور ایران با برخوداری از فرهنگ و تمدن چند هزار ساله‌اش، پیوسته از توالی زمانی در امر فرهنگی و هویتی خود؛ برخوردار بوده و اصالت ایرانی بودن آن هیچ‌گاه از بین نرفته است. از طرفی هم، در فرایند جهانی شدن، علاوه بر انقلاب ارتباطات و اطلاعات؛ رویدادهای بزرگ و پر اهمیت تاریخی دیگری در قرن بیست و یکم بررسی مسئله هویت را برای ایران مطرح ساخت.

روش اصلی این پژوهش، توصیفی– تحلیلی است و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات آن ماهیت کتابخانه‌ای دارد. این تحقیق با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، از جمله تحقیقات علمی- جغرافیای – سیاسی در تبیین هویت ایرانی و چالش‌های آن در راستای فرایند جهانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شدن است. سؤال اصلی پژوهش، این است که فرصت‌ها و چالش‌های هویت ایرانی در فرایند جهانی‌شدن چیست؟

مبانی نظری

جهانی‌شدن

در ارتباط با جهانی شدن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک بر ابعادی متمرکز شده‌اند. «زیگمونت باومن» جهانی‌شدن را در قالب نظم جدیدی موسوم به «بی‌نظمی نوین جهانی» تعریف می‌کند(باومن، ۱۳۷۹: ۴۸). بسیاری همچون«رابرتسون» بر این باورند که ما در عرصه جهانی شدن شاهد تقویت هویت‌های محلی در کنار رشد هویت جهانی هستیم. وی از این نظم به عنوان نظم «جهانی– محلی» یاد می‌کند(کیانی، ۱۳۸۰: ۲۹). به بیان دیگر، حرکت‌هایی همچون واگرایی، محلی گرایی، پاره افزایی و استقلال طلبی روندی مکمل جهانی شدن هستند(Waters, 2010: 67). در واقع، جهانی شدن فرایندی تک بعدی و محدود در یکی از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیست؛ بلکه این پدیده فرایندی منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌های اجتماعی رسوخ کرده است(کیانی، ۱۳۸۰: ۲۹). ما در واژه جهانی شدن با فرایند «شدن» سروکار داریم، فرایندی که بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تغییر، تبدیل و تأثیرپذیری کرده است(Burbach, 2009: 14). گفته می‌شود که جهانی شدن اولاً؛ روندی اجتناب ناپذیر است، ثانیاً پدیده‌ای منتج از برخی تحولات تاریخی است، ثالثاً؛ این فرایند به صورت یک وضعیت پایدار باقی نمی‌ماند و عاقبت خود وارد مرحله دیگری می‌شود که برخی از آن به عنوان یکپارچگی جهانی[1] یاد می‌کند(Rugman & Verbeke, 2010: 36). جهانی شدن پدیده‌ای تناقض نما[2] است که با مفاهیم دو گانه‌ای همچون جهانی – محلی، منطقه گرایی، جهان گرایی، همگرایی – واگرایی و ... همراه است(Kaul, 2007: 65). کشورهایی که روند جهانی‌شدن را درک کرده باشند و سازوکارهای آن را بشناسند، می‌توانند جایگاه مناسبی برای خود در نظام جهانی پیدا کنند.

هویت

هویت مفهومی ناظر به حالات و اعمال شخصی است و ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد. هویت در اثر فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرد

1 - Golobalism
2 - paradoxical

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

و پس از تبلور، باقی مانده، دگرگون شده و یا حتی در نتیجهٔ روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد(برگر، ۱۳۷۵: ۶۸). مؤلفه‌های عینی هویت در سطح اجتماعی ساختارهای«هویت‌ملی» را شکل می‌دهند و آن‌را از هویت‌های ملی دیگران متمایز می‌کنند(حقدار، ۱۳۸۰: ۱۸۸). بی‌تردید، هویت یک ملت، در درجه نخست موضوعی در قلمرو جغرافیای سیاسی است و مربوط به چگونگی پیدایش و بقای یک ملت، و بخش پر اهمیتی از موجودیت روحانی بشر شمرده می‌شود. همچنین، احساس تعلق داشتن به یک محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن با ویژگی‌های محیطی و فرهنگی آن محیط جغرافیایی، هویت خاصی را خلق می‌کند(مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۵). از طرفی دیگر، هویت قومی مطرح است. این نوع از هویت، زمانی که منافع شخصی را تسهیل نماید، خود را آشکار می‌کند و تا زمانی که مانعی بر سر راه منافع شخصی باشد، پنهان خواهد ماند(Hraba & Hoiberg, 2008: 281-282). از نگاه تکثرگرایان حفظ هویت قومی ارزشمند است. روزنز[1] معتقد است که داشتن هویت قومی به ما کمک می‌کند که بفهمیم چه کسی هستیم(Roosens, 2007: 17-18). هویت قومی به سنت‌ها و رسومات فرهنگی مشترک و احساس هویتی که قوم را به عنوان یک گروه فرعی از کل یک جامعه مشخص کند، گفته می‌شود(Devos, 2005: 12).

هویت و امنیت در عصر جهانی شدن

امنیت انسان فقط مسئله بوم شناختی و اقتصادی نیست؛ بلکه ابعاد روان شناختی و فرهنگی نیز دارد. از این نظر، امنیت در نتیجه اهمیتی که برای هویت دارد ظاهر می‌شود؛ یعنی یک ترکیب آسان و ساده درباره اینکه من کیستم و این اطمینان که آیا اجتماع این شیوه بودن را محترم می‌شمارد و از آن محافظت می‌کند یا نه (Rugman, 2010: 19). جهانی شدن معاصر، گاهی از طریق تخریب فرهنگی، موجب تضعیف امنیت هویت شده است. فرهنگ‌های گوناگون تسلیم تهاجم تلویزیون، زبان انگلیسی، گردشگری جهانی، عقاید مربوط به حقوق بشر جهانی، مصرف‌گرایی جهانی و سایر مداخله‌های فوق حاکمیتی شده‌اند که با سنت‌های محلی مغایرت دارد(Smith, 2010: 22-23). طرفداران حفاظت از فرهنگ، در موقعیت‌های گوناگون پی‌برده‌اند که فن‌آوری‌های جهانی‌شدن برای احیای هویت‌های ضعیف و کمرنگ قابل استفاده است. برای مثال، تولیدات ویدیویی در احیای فرهنگ بدوی[2] در مصر نقش داشته است(شولت، ۱۳۸۲: ۲۸۲ -

[1] - Roosens
2 - Bedouin

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲۸۳). بنابراین، همان گونه که برخی ناظران تأکید کرده‌اند، جهانی شدن نیرویی برای همگن سازی ساده نیست، که از طریق آن یک فرهنگ بتواند سایر هویت‌ها را از بین ببرد. در واقع، تأثیر کلی جهانی شدن بر هویت، بیش از آنکه شکل همگن کننده داشته باشد، بی‌ثبات کننده است.

محیط شناسی پژوهش

کشور ایران با مساحتی برابر با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع، از نظر موقعیت جغرافیایی میان عرض‌های شمالی ۲۵ تا ۴۰ درجه از خط استوا و میان ۴۴ و ۶۳/۵ درجه طول شرقی از نیمروز گرینویچ در جنوب غربی آسیا، در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی و در بخش غربی فلات ایران واقع شده است(کاویانی، ۱۳۸۹: ۹۱). به لحاظ طبیعی، قلمرو جغرافیایی فلات ایران در شمال از فضاهای ماورای قفقاز، سیبری و آسیای مرکزی؛ در شرق از فضاهای فلات تبت و فلات دکن(هند) و دشت سند و پنجاب؛ در جنوب از فضاهای آبی اقیانوس هند، خلیج فارس و شبه جزیره عربستان و در غرب از فضاهای فلات آناتولی و دشت‌های بین النهرین جدا می‌شود(حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۵). مرزهای ایران نیز به دو بخش مرزهای سیاسی و مرزهای طبیعی تقسیم می‌گردد. مرزهای سیاسی، قلمرو حاکمیتی کشور ایران را تشکیل می‌دهد و حدود آن را با کشورهای مجاور خود تعیین می‌کند. مرزهای طبیعی منطبق با محدوده فلات ایران می‌باشد که آن را از فلات‌های مجاور جدا می‌سازد(اخباری و نامی، ۱۳۸۸: مقدمه). طول مرزهای کشور ایران با کشورهای همجوار خود ۸۷۳۱ کیلومتر می‌باشد که ۴۱۱۳ کیلومتر آن مرز رودخانه‌ای، دریاچه‌ای و باتلاقی است. ۲۷۰۰ کیلومتر آن در کناره‌های دریای آزاد(خلیج فارس و دریای عمان- ۲۰۴۳ کیلومتر) و دریاچه خزر (۶۵۷ کیلومتر)قرار دارد و بقیه مرز خشکی است(همان: مقدمه). براساس نتایج به دست آمده از سرشماری ملی سال ۱۳۸۵، جمعیت کشور ۷۰ میلیون و ۴۹۵ هزار و ۸۴۶ نفر اعلام شده است(سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

یافته‌های تحقیق

بنیادهای هویت ایرانی

درباره عنصر شکل دهنده و سازنده هویت ایرانی در آثار گوناگون سخن به میان آمده است. با این حال اغلب این آثار تنها به بخشی از عوامل سازندهٔ هویت ایرانی توجه کرده است و آگاهانه یا ناآگاهانه عوامل و عناصر دیگر بویژه نقش اساطیر و تاریخ باستانی ایران را ناچیز

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شمرده‌اند و یا برخی بیشترین اهمیت را به عنصر باستانی داده و عنصر معنوی را نادیده گرفته‌اند(بیگدلو، ۱۳۸۰: ۴ – ۱۰). از طرفی، باید به این مسئله توجه داشت که عناصر سازندهٔ هویت ایرانی، عواملی هستند که در درجهٔ نخست جنبه دائمی و پایدار داشته و در طول چندین هزار سال همچنان نقش اساسی در تداوم سرزمینی و سیاسی آن بازی کرده است و برخی عناصر نیز در طول دوران‌های تاریخ ایران دگرگون شده و به شکل‌های جدید جلوه‌گر شده‌اند. برخی از مهمترین عناصر سازندهٔ هویت ایرانی را می‌توان بر حسب تداوم و اهمیت بدین شرح بیان کرد:

۱ – تاریخ ایران؛ چرا که این ویژگی بیانگر آغازین دوران‌های شکل گیری روح جمعی و دیرینه هویت ایرانی است. ۲ – سرزمین و جغرافیا؛ تاریخ ایران از روزگاران باستان تاکنون همیشه پیوند ناگسستی با سرزمینی که در متون کهن اوستایی از آن به عنوان «ایرانویج» و بعدها «ایران زمین» یاد می‌شده است، داشته است(فره‌وشی، ۱۳۷۴: ۴۷). ۳ – میراث سیاسی و نهاد حکومت؛ یکی از عمده‌ترین عناصر تشکیل دهنده هویت ملی ایرانی است که بیشتر پژوهشگران آن را نادیده گرفته‌اند. اندیشه حکومت و آرمانشهر ایرانی که در ادبیات سیاسی کشور به شکل شاهی و آرمانی تجسم یافته بود، عاملی مهم در رستاخیز سیاسی ایران و ظهور حکومت‌های محلی- ایرانی پس از اسلام بود. در واقع، چنانچه تاریخ و سرزمین ایران را دو پایهٔ اساسی تدوام هویت ایرانی بدانیم، نهاد حکومت و اندیشه شاهی، پایه سوم آن را تشکیل می‌دهد(احمدی، ۱۳۸۲: ۱۹). ۴– میراث فرهنگی ایرانیان؛ در تاریخ، جغرافیا و اندیشه حکومت آرمانی ایرانیان آداب و رسوم، سنت‌ها، آیین‌ها و آثار نثر و نظم بسیار متعددی ثبت شده است که می‌توان از آن به مثابه میراث فرهنگی نام برد. این میراث شامل آیین‌های است که از عهد واپسین تاریخ ایران تا به امروز همچنان تداوم یافته و بخش جدایی ناپذیر از هویت و فرهنگ ایرانی شده‌اند(همان: ۲۲). ۵– جامعه و مردم ایران؛ در اندیشهٔ سیاسی ایرانی‌ها، مردم همیشه نقش محوری ایفا کرده‌اند و در تداوم و بقای سرزمین، تاریخ و فرهنگ ایران زمین، اغلب این عامل نقش محوری داشته است. ۶– دین و میراث معنوی ایرانیان؛ در ایران دین اسلام نقش مهمی در هویت ملی ایرانیان و تداوم سرزمینی آنان داشته است. در این ارتباط، قبل از ظهور زرتشت، ایرانیان فلات ایران به ادیان دیگری همچون میتراییسم و نظایر آن باور داشتند(گیمن، ۱۳۷۵: ۷۸). پس از آن دین زرتشت به بخش مهمی از هویت ایرانی تبدیل شد و ایرانیان نیازهای معنوی خود را از طریق عمل به احکام آن برآورده می‌کردند. با ظهور اسلام، دین زرتشت موقعیت پیشین خود را از دست داد و اکثریت ایرانیان آیین جدید را پذیرفتند و در کشاکش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

این تحول بنیادی پذیرش اسلام به هیچ وجه به عنوان عاملی متضاد با هویت ایرانی قلمداد نشد(احمدی، ۱۳۸۲: ۲۶). از آنجا که ایران، کشوری دارای پیشینه سیاسی، تمدنی و دولتی درخشان است و از میراث فرهنگی و معنوی بالایی برخودار است، فرایند جهانی شدن به مثابه یک چالش برآمده از گسترش قدرت و فرهنگ غرب، می‌تواند به مرور زمان منجر به کمرنگ شدن علایق و احساسات ملی ایرانیان شود؛ چرا که مقایسه وضعیت نامساعد و نابسامان ایران کنونی با اقتدار و شکوه گذشته از یک سو و چالش‌های ناشی از سلطه فرهنگ و ارزش‌های تمدن غرب بر ارزش‌های ملی و تمدنی ایرانی از سوی دیگر، می‌تواند انگیزه مهمی برای تلاش در جهت بازسازی هویت اصیل ایرانی و توجه به منافع ملی ایران در فرایند جهانی شدن کنونی باشد(علیخانی، ۱۳۸۳: ۷۸).

هویت و ملیت ایرانی؛ پدیده‌ای مدرن یا دیرین

اگر هویت را به یک تعبیر ساده«شناخت خود با توجه به بنیادهای خاص و شناساندن خود بر اساس آن بنیادها به دیگران» تعریف کنیم، می‌توان نگرش ایرانیان به هویت خود و معرفی آن به دیگران و نیز شناخت دیگران از هویت ایرانی را در گستره‌ی تاریخی درک کرد. از بازتاب هویت تاریخی ایرانیان در آثار کلاسیک غربی(یونانی و رومی) و اسلامی(عربی)، می‌توان به این سؤال پاسخ داد که اصولاً ایران به عنوان یک موجودیت جغرافیایی و تاریخی یعنی یک واحد برخوردار از مرزهای سرزمینی و میراث سیاسی(حکومت) از قرن‌ها پیش از ظهور اسلام از فضای معنایی خاصی برخوردار بوده است و این فضای معنایی را می‌توان در نوشته‌های باقی مانده‌ی تاریخی ایران پس از حملات اعراب به خوبی جستجو کرد. همین فضای معنایی خاص که بازتاب هویت تاریخی ایران و ایرانیان بوده است، ایران را به عنوان یک موجودیت برخوردار از تاریخ، فرهنگ، تمدن و سیاست خاص در برابر غیر ایرانیان تصویر می‌کرد. هم ایرانیان، هم غربی‌ها و هم اعراب از وجود چنین تصویری از هویت ایرانی به خوبی آگاهی داشتند و آن را در آثار تاریخی خود بازتاب می‌داده‌اند(احمدی، ۱۳۸۲b: ۲۴). همچنین، در هویت و هستی ایرانی، «دیگر» و «دیگران» را تنها از رهگذر «خود» می‌توان شناخت و نسبت به آن قضاوت نمود. به عبارت دیگر، انسان ایرانی صرفاً به قیاس عالم خود می‌تواند عالم دیگران را دریابد و برون از این حلقه برای او امکان شناختی از «دگر» وجود ندارد. برای نمونه، به روایت شاهنامه از شکل‌گیری هویت ایرانی توجه کنیم: «اهورامزدا نخستین انسان و نخستین پادشاه جامعه انسانی را در ایران زمین، که در میانه جهان جای دارد، می‌آفریند. آنگاه پر و بال و شاخ و برگ انسان را از میانه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جهان بر شرق و غرب می‌گستراند. سپس زمان جدایی فرا می‌رسد و جهان به سه کشور تقسیم می‌شود؛ در میانه آن ایران زمین و دو سوی آن غرب (یونان و روم) و شرق (توران و چین) جا می‌گیرند. از این زمان، هویت ایرانی با پادشاهی ایرج در برابر هویت قومی شرق و غرب بنیاد نهاده می‌شود». تاریخ نگاران در این ارتباط، معتقدند: ایرانِ قبل از اسلام، خود را «خودیِ» عالم هستی محسوب می‌کرد و یونانیان را «دگر» خارجی و این جهانیِ خود تعریف می‌نمود. چنان که هردوت اشاره می‌کند، پارسیان قبل از اسلام، خود را از هر حیث، بهترین افراد بشر شمرده است. همچنین، میزان دوری خود از غیر پارسیان را معیاری برای ارزیابی قرار می‌دادند(تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۳۰-۱۳۱). با ظهور اشکانیان حرکت گسترده‌ای در جهت وحدت و هویت متزلزل شده ایران در نتیجه پیروزی‌های اسکندر و جانشینان او آغاز گردید. اما این امپراتوری با چالش‌ها و تهدیدهای برون مرزی تازه‌ای رو به رو بود. بنابراین، مهمترین دغدغه امپراتوری بعدی یعنی اشکانی، حفظ وحدت داخلی گردید. نتیجه آنکه اشکانیان وحدت و هویت ایران را که در نتیجه فتوحات اسکندر و جانشینان سلوکی او و سخت به مخاطره افتاده بود پاس داشتند. از طرفی هم، از اختلاط دو فرهنگ یونانی و ایرانی جلوگیری کردند(همان: ۱۳۴). حمید احمدی معتقد است؛ بر خلاف دعاوی طرفداران جریانات سیاسی- ایدئولوژیک قوم‌گرا و همچنین طرفداران نگرش‌های جدید پست مدرن به سیاست و تاریخ، ایران به عنوان یک موجودیتِ برخوردار از تداوم سرزمینی و تاریخی، محصول گفتمان‌های ناسیونالیستی مدرنِ پس از انقلاب مشروطیت نیست. این نوع نگرش به ایران و ایرانی و هویت و ملیت ایرانی اصولاً نه به دوران مدرن، بلکه به قرن‌های پیش از ظهور اسلام، یعنی حداقل به اواخر دوره‌ی اشکانی و اوج دوران ساسانیان می‌رسد. زیرا که ایرانیان به تدوین تاریخ و اساطیر خود پرداختند و همین نگرش، بعدها به نویسندگان اسلامی(ایرانی و عرب) انتقال پیدا کرد(احمدی، ۲-۱۳۸۲: ۲۴). آنچه که در واقع روشنفکران ایرانی پس از مشروطیت درباره‌ی هویت تاریخی و بنیادهای باستانی تاریخ و هویت ایرانی ذکر می‌کردند، ریشه عمیق در گذشته‌های دیرین این جامعه داشت، و پدیده‌ای نبود که شرق شناسان غربی برای ایران اختراع کرده باشند. بر عکس همان‌گونه که پیش از این نیز روشن گردید، برخی از پژوهشگران و شرق شناسان غربی در قرن ۱۹ و ۲۰ با الهام از همین نوشته‌ای کلاسیک پیرامون تاریخ و هویت تاریخی ایران، آثار خود را آفریدند. از آن جمله می‌توان به تئودور نولدکه[1] و بارتولد[2] شرق شناسان آلمانی و روسی اشاره کرد که اولی تاریخ

[1] - Theodor Noldeko
[2] - Bartold

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

ساسانیان خود را با الهام از نوشته‌های طبری(قرن سوم هجری) و دومی کتاب خود پیرامون ترکان را با الهام از آثار تاریخی مورخان کلاسیک ایرانی به ویژه زین‌الاخبار گردیزی، به رشته تحریر در آورده و به شهرت جهانی دست یافتند(همان: ۲۴). رهیافت آنتونی اسمیت، نظریه پرداز برجسته ناسیونالیسم و هویت که وجود«ملت» در دوران ماقبل مدرن را برای برخی از ملت‌ها از جمله ایرانیان نفی نکرده و به دیرینه بودن پدیده ملت و احساس نسبت به سرزمین و تاریخ را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این میان، نوعی احساسات ملی که بازگو کننده‌ی آگاهی به هویت ملی ایرانیان است، در نوشته‌های کلاسیک تاریخی ایران به ویژه آثار شعرای ایرانی نظیر شاهنامه فردوسی و اشعار نظامی گنجوی و دیگران به چشم می‌خورد. همچنین، تحولات سیاسی و فکری قرون اولیه اسلامی به ویژه نهضت شعوبیه که پیرامون آن نوشته‌های کلاسیک گوناگون موجود است، بیانگر وجود نوعی احساسات ملی و بیداری هویت ملی ایرانیان در برابر غیر ایرانیان است.

تجدد و دگردیسی در هویت ایرانی

مهمترین رویداد تاریخ کهن ایرانیان و نقطه عطف در تحولات سیاسی و اجتماعی آن، ورود مسلمانان عرب به ایران می‌باشد. این رخداد، اولین تصادم میان فرهنگ ایرانی – آریایی با فرهنگ سامی بود. بدین ترتیب هویت ایرانی در قرون اولیهٔ اسلامی از دو آیین مایه گرفت: الف- آیینی از گذشته باستانی‌اش که آمیزه‌ای از ادبیات و فرهنگ و روح ایرانی بود؛ ب- دین جدید اسلام که دگرگونی ژرفی در فکر، فرهنگ و هویت ایرانیان بوجود آورد.

این آمیزهٔ جدید نسل تازه‌ای از ایرانیان را تربیت نمود که «ایرانیت» را در عمق روح خود نگه داشت و دین جدید را در درونی‌ترین لایه‌های خود پذیرا شد. تا پیش از مواجهه ایرانیان با تمدن غرب، هویت ملی، ترکیبی نیرومند از عناصر ایرانی و آموزه‌های شیعی بود و ایرانیان خود را با دین اسلام چنان عجین ساخته بودند که هیچ گاه تصور تغییر میان آن دو را به ذهن خود راه نمی‌دادند. اما با ظهور و گسترش تمدن جدید و رو به رو شدن ایرانیان با جاذبه‌های افسونگر دنیای صنعتی و شیفتگی آنان به دستاوردهای این تمدن، دوران پریشانی ایرانیان آغاز شد. ارزش‌های اروپایی به طور غافلگیرانه جامعه ایرانی را دستخوش تحول ساخت و چالش‌های تازه‌ای را پیش روی این تمدن با سابقه قرار داد. این چالش‌ها، بستری برای دگردیسی در باورها و فرهنگ ایرانی و سرانجام ترکیب اجتماعی هویت ملی شد(زهیری، ۱۳۸۰: ۱۰۷). از طرفی دیگر، در طول سده نوزدهم، رشد وسایل ارتباطی از قبیل مطبوعات، جاده، تلگراف و... موجب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بالندگی حس هویت ایرانی شد و نوعی ایدئولوژی ملی مبتنی بر اصالت تمدن آریایی سر برآورد. به ویژه، محصلان ایرانی که به اروپا می‌رفتند، تحت تأثیر اندیشه‌های فضای جدید، تصورات تازه‌ای از هویت ملی خود پیدا نمودند(جهانبگلو، ۱۳۷۹: ۳۱). البته این موانع هیچ‌گاه نتوانست به اصل هویت ایرانی در این دوره نیز خللی وارد سازد.

هویت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران؛ فرصتی مناسب در عصر جهانی شدن

جغرافی‌دانان و انسان شناسان همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که مکان، محل و سرزمین برای مردم بسیار اهمیت دارند، چرا که آن‌ها توانایی هویت‌سازی بالایی دارند. به عبارت دیگر، مکان و فضا از آن رو برای افراد و گروه‌های مختلف مهم هستند که عناصر و اجزای اصلی هویت را تأمین می‌کنند.

موقعیت جغرافیایی ایران و قرار داشتن این سرزمین بر سر چهار راه عبور، جابجایی، مهاجرت‌ها و تهاجم گسترده اقوام خارجی، تأثیر شگرفی بر هویت و فرهنگ ایرانیان داشته است. همچنین، ایران از آغاز تاریخ شناخته شده خود تا قرن شانزدهم با دو نوع چالش برون مرزی مستمر رو به رو بوده است: یکی یورش اقوام بیابان گرد، عشیره نشین و بادیه نشین از سوی شمال، شمال شرقی و شرق و در مقاطعی از طرف جنوب غربی و دیگری تهدیدها و چالش‌های جوامع متمدن سازمان یافته یا حامیان تمدن خاکی غالباً از سوی غرب است(هرمیداس باوند، ۱۳۷۷: ۲۱). در این میان، به رغم دگرگونی‌هایی که در لایه‌های سطحی فرهنگ و هویت ایرانی پدید آمد، اما این چالش‌ها، هیچ گاه نتوانستند به ژرفای هویت ایرانیان رسوخ کنند و تخریب و نابودی آن را باعث شوند.

مردم ایران در گذر تاریخ طولانی خود و در مواجهه با فرهنگ‌ها و آیین‌های بیگانه نظیر آیین بودا، مسیحیت، یهودیت، فلسفه‌های یونانی و هند، چین و رومی، یا آنان را دفع کرده است و یا اگر این آموزه‌ها را با روح خود سازگار می‌دید آن‌ها را جذب و استحاله می‌کرد. در این رابطه، یک ایران شناس ایتالیایی می‌گوید: «کوروش قبول می‌کرد که نهادهای مستقر در دوران پیش از خود را همچنان دست نخورده نگاه دارد. وی خدایان دیگر مردمان را حرمت می‌نهاد و آن‌ها را معبود خویش نیز به حساب می‌آورد»(اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶: ۳۸). ایرانیان در طول حیات تاریخی– سیاسی خود با تأسیس امپراطوری‌های بزرگ و قدرتمند، گونه‌های تازه‌ای از نظام سیاسی را به وجود آوردند. در دوران هخامنشی، فدراسیونی از سرزمین‌های مشترک المنافع به صورت نیمه مستقل بوجود آمد که در آن به گروه‌های انسانی گوناگون، این امکان را می‌داد تا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

هویت فرهنگی و مدنی ویژه خود را حفظ کنند و این دوران، دوران پیشرفت‌های خیره کننده در مفاهیم ملیت و هویت بود(مجتهد زاده، ۱۳۷۷: ۱۳۰ – ۱۳۱). کشور ایران به لحاظ جغرافیایی و ژئوپلیتیکی همواره نقش مهمی در منطقه و حتی جهان داشته است. تا دوران ظهور شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ایران یکی از مهمترین و گاه تنها راه ارتباطی شرق و غرب محسوب می‌شده است(صحفی، ۱۳۸۰: ۱۷۳). به لحاظ موقعیت جغرافیایی ایران در هلال خصیب قرار گرفته که از شرق مدیترانه تا خلیج فارس و دریای عمان امتداد دارد و کشورهای اردن عراق، سوریه، لبنان، شبه جزیره عربستان و ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد(عزتی، ۱۳۷۱: ۷۸). به لحاظ انسانی و فرهنگی نیز فضای جغرافیایی فلات ایران، ساختار انسانی و فرهنگی خاصی دارد که بوسیله قلمروهای فرهنگی و انسانی پیرامون تمایز می‌یابد. قلمروی فرهنگی – انسانی ایران در شمال با قلمرو ترک و توران از یک سو و قلمرو روسی و اسلاوی از سوی دیگر؛ در شرق با قلمروی فرهنگ چینی و هندی و در غرب با قلمرو تمدن عربی و سامی محدود می‌شود. بنابراین، ایران هویت فرهنگی و تمدنی خود را در میان قلمروی فرهنگی و تمدنی پیرامون حفظ کرده و در سطح گسل و تماس قلمروی ایران با سایر قلمروها، نواحی فرهنگی سنتزی و ترکیبی پدید آمده است که هویت ترکیبی آن‌ها را خصلت‌های فرهنگی – تمدنی ایران و تمدن مجاور آن تشکیل می‌دهد(حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۵). به لحاظ موقعیت ارتباطی، فضای جغرافیایی ایران در محور شمال – جنوب دو عرصه آبی و خشکی را بهم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا، آسیا و اقیانوسیه، بویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد. از این رو، ایران در معرض تعاملات منطقه‌ای، جهانی، استراتژی‌ها، جابجایی و پدیده‌هایی قرار دارد که به نحوی با موقعیت ارتباطی ایران مرتبط است.

انقلاب اسلامی ایران و میل به جهانی‌شدن

کرن برنیتون[1] در کتاب کالبد شکافی انقلاب می‌گوید که «همچون انجیل که به دنبال جهانی کردن مسیحیت است، انقلاب‌ها، در آرمان و اهداف خود جهانشمول هستند. همچنین، چالمرز جانستون[2] برخی از انقلاب‌ها را «هزاره‌ای» می‌خواند. منظور جانستون، آن است که انقلاب هزاره‌ای به امید تغییری ریشه‌ای، در جهانی جدید است که همه چیز آن از نو ساخته

1. Kern Brniton
2. Chalmers Johnston

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

می‌شود(ملکی، ۱۳۸۴: ۹۳). اشاعه انقلاب اسلامی و یا دعوت از تمامی جهانیان برای آشنا شدن با مبانی انقلاب ایران، هدف اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. اساس اسلام در ارتباط با مردم و جهان در مفهوم دعوت، نهان شده است. اسلام بر آن است که همه جهان را به آشنایی با مبانی این دین دعوت نماید. انقلاب اسلامی ایران نیز دعوت از تمامی مستضعفان و محرومان جهان را در سرلوحه اهداف خارجی خود قرار داده است. این موضوع، در ارتباط با ایجاد «امت اسلامی» نیز قرار می‌گیرد. یکی دیگر از عناصر آموزه انقلاب اسلامی ایران آرمان رهبری ستمدیدگان جهان علیه قدرت‌های مستکبر است.

مقایسه اوضاع و احوال اجتماعی– سیاسی کنونی کشورهای اسلامی با وضعیت آن‌ها در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حکایت از یک تغییر آشکار در بیشتر آن‌ها دارد. به دنبال وقوع انقلاب در ایران، یک فضای در حال گسترش اصول گرایی اسلامی، سراسر جهان اسلام را فرا گرفت؛ تعدادی از حرکت‌های اسلامی پدید آمدند و تعدادی دیگر که از قبل وجود داشتند، اما منفعل بودند، فعال و انقلابی شدند. در لبنان جنبش شیعی «امل» و «حزب الله» و «امل سازی» و گروه سنی مذهب «جنبش توحید اسلامی». در عراق فعالیت «حزب‌الدعوه اسلامی»، در بحرین «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین»، در مصر نیز توسل به شیوه‌های قهر آمیز مبارزه گسترش یافت که نمونهٔ آن ترور انورسادات در اکتبر ۱۹۸۱، توسط «سازمان الجهاد» بود و در الجزایر «جبهه نجات اسلامی» پدید آمد. حتی در عربستان، سوریه، فلسطین و ... نیز حرکت‌ها و جنبش‌هایی تحت تأثیر انقلاب اسلامی بوجود آمدند یا فعال گردیدند(ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۸۳ – ۸۴). از دیگر تأثیرات انقلاب اسلامی در سطح جهانی، می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

الف – سازمان‌های بین‌المللی؛ حضور و مواضع ایران انقلابی در سازمان‌های بین‌المللی، مانند جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، اوپک و ... در تصمیمات و قطعنامه‌های صادره نقش داشته است. ب – حکومت‌ها، نخبگان سیاسی و جهان اسلام؛ از جمله ورود اسلامگرایان به پارلمان(مانند حزب الله لبنان و اخوان المسلمین اردن)، تغییر در ایده‌های شاهزادگان و خط مشی‌های سیاسی و بین‌المللی حکومت‌ها (مانند عربستان سعودی) و تشکیل دولت توسط احزاب اسلامگرا (مانند ترکیه) از این نمونه‌ها است. در مجموع، با وجودی که انقلاب‌های بسیاری در جهان روی داده ولی انقلاب اسلامی ایران به دلیل روح دینی، ظلم ستیزی و حمایت از محرومان جامعه و به خصوص مبارزه با قدرت‌های سلطه جو منحصر به فرد است و باعث شناخت مجدد اسلام در جهان معاصر می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

چالش‌های هویت ایرانی در فرآیند جهانی شدن

دو رویداد بزرگ و پر اهمیت تاریخی در دو دهه‌ی آخر قرن بیستم مسئله هویت را برای ایران و پیش روی ایرانیان مطرح ساخته است؛ نخست انقلاب اسلامی و اسلام‌گرایی است که در دهه‌ی ۱۹۸۰م، خود نمایی داشت؛ و دیگری، فروپاشی نظام جهانی دو قطبی، در دهه‌ی ۱۹۹۰ است که منجر به از میان رفتن موازنه‌ی ژئوپلیتیک در جهان سیاسی شد. به دنبال آن، فروپاشی ابر کشورهایی چون اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی پیشین، سبب پیدایش شمار زیادی از ملت‌های جدید در اروپای خاوری، آسیای مرکزی و در همسایگی ایران شد. از سوی دیگر، جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد، همراه با گسترش سریع تکنولوژی اطلاع رسانی، این جهان سیاسیِ از هم گسیخته ما را به سوی واقعیت بخشیدن به ایده‌ی «جامعه بشری» یکنواخت روانه می‌سازد. در رویایی با این دگرگونی‌ها است که «هویت ملی ایرانی» که در حقیقت چتر گسترده‌ای است و هویت محلی چند قومی را در دورن خود دارد، عنصر پیوند دهنده این اقوام می‌شود. آذری و کرد، لر و بلوچ، خراسانی، گیلک و مازندرانی، رازی و پارسی همه مردمان ایرانیِ برخوردار از هویت قومی ویژه، با زمینه گسترده‌ای از مشترکات هویتیِ ملی هستند. از سوی دیگر، پیدایش جوامع ایرانی تازه‌ای در کشورهای گوناگون، به ویژه در اروپا و ایالات متحده، در دو دهه پایانی قرن بیستم؛ و همچنین، پروراندن نسل دوم از مهاجرین در این جوامع و دور از ایران، جنبه‌های پر اهمیتی را در بررسی هویت ایرانی، در ابتدای قرن بیست و یکم مطرح می‌سازد. همچنین، فرو ریختن نظام جهانی دو قطبی در دهه‌ی ۱۹۹۰ که منجر به از میان رفتن موازنه‌ی ژئوپلیتیک جهان و دگرگونی اساسی در نقش آفرینی‌هایِ منطقه‌ای ایران شده است، نماینده‌ی چالش‌های برون مرزی پر اهمیتی است که هویت ایرانی با آن رویارویی پیدا کرده است. دگرگونی اساسی در نظام جهانی دهه‌ی ۱۹۹۰، ایالات متحده را تشویق کرد تا در راه واقعیت بخشیدن به ادعای «نظام نوین جهانی» خود تلاش کند. تلاشی که خواه و ناخواه این قدرت را با نظام اسلامی انقلابی در ایران رو در رو ساخته و یک سلسله اقدامات ژئواستراتژیک آمریکایی را علیه ایران، به عنوان «منبع خطری علیه صلح و آرامش جهانی» سبب شده است(مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۹). فرو ریختن نظام جهانی دو قطبی در دهه‌ی ۱۹۹۰، که منجر به از میان رفتن موازنه‌ی ژئوپلیتیک جهان شد، ایالات متحده را تشویق کرد تا در راه چیره شدن بر جهان سیاسی تلاش کند، تلاشی که این قدرت را با ایران رو در رو ساخته است، حاصل این رو در رویی تصمیماتی بوده است در زمینه‌ی محاصره‌ی اقتصادی – استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، چنان که، علاوه بر تحریم اقتصادی، از طرف شمال (دریای خزر و قفقاز

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

و آسیای مرکزی) از عبور لوله‌های نفتی و گازی منطقه از ایران جلوگیری شد و این امر لطمه‌ی بزرگی به منافع ملی ایران زد؛ از سوی جنوب (خلیج فارس و عراق) روابط ایران با همسایگان دچار تنش شد، عراق به ایران حمله کرد و هشت سال جنگید و امارات متحده عربی مالکیت بر جزایر ایرانی تنب و ابوموسی را ادعا کرد؛ از سوی خاور(پاکستان و افغانستان) شیعه‌کشی در پاکستان رونق گرفت و پیدایش طالبان و دشمنی‌های ویژه‌اش با ایران مسائل عمده‌ای را مطرح ساخت؛ از سوی باختر(عراق و ترکیه) ایجاد به اصطلاح «بهشت امن» برای کردان شمال عراق و اجازه تاخت و تاز به ترکیه در خاک عراق که خطر تجزیه‌ی کردستان آن کشور را شدت داده است، جلب توجه می‌کند. افزون بر این، حرکت‌هایی ظاهراً حساب شده که ترکیه و اسرائیل و جمهوری آذربایجان را در بر می‌گیرد و آشکارا تجزیه‌ی ایران را مورد هدف قرار می‌دهد. مجموعه‌ی این مسائل نه تنها یکپارچگی سرزمینی ایران را به مخاطره می‌اندازد که وحدت ملی ایران و هویت ایرانی را می‌تواند مورد سؤال قرار دهد. از طرف دیگر، تحریکاتی که در میان اقوام تشکیل دهنده‌ی ملیت ایرانی صورت می‌گیرد و همچنین، مهاجرت میلیون‌ها ایرانی به خارج و اقامت گزیدن آنان، به ویژه در اروپا و ایالات متحده مسائل تازه‌ای را از نظر هویتی، به ویژه در میان نسل دوم مهاجران ایرانی، پیش کشیده است که باید بررسی شود(mojtahed- zade, 1996: 22). به این ترتیب، بدیهی است که مسئله«هویت ایرانی در قرن بیست و یکم» باید مورد بحث و بررسی‌های علمی جدی قرار گیرد. اگر چه این انگیزه تاکنون سبب تلاش‌هایی بوده است، ولی تاکنون یک سمینار کاملاً دانشگاهی و علمی در این باره تشکیل نشده است و این یک نقصان بزرگ است که می‌بایستی جبران شود.

چالش‌های فرهنگی ایران در فرایند جهانی‌شدن

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی از جمله کشورهای متکثر و ناهمگن است. بدین لحاظ، هویت فرهنگی مردم ایران به نوعی دارای جنبه‌های عام و فراگیر فرهنگ و هویت گروه‌های قومی بوده است که در گذر زمان شکل یگانه و فراقومی به اندازه یک ملت کهن یافته است. از طرف دیگر، هویت فرهنگی و ملی ایرانی چتر گسترده‌ای است که هویت‌های محلی – قومی را در درون خود جای داده و عنصر قوام بخش اقوام است(مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۰: ۱۷۳). پدیده جهانی شدن می‌تواند این ابعاد فرهنگی را تحت تأثیر قرار دهد. نخسین عاملی که فرهنگ‌ها در دوران جهانی شدن با آن رو به رو گشته‌اند، «موزاییک فرهنگی» است(ربانی و احمدی، ۱۳۸۴: ۳۹). در واقع، این انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی در فرآیند جهانی‌شدن، چالش‌هایی را برای جمهوری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اسلامی ایران در شاخصه‌های فرهنگی و هویتی می‌تواند داشته باشد که در اینجا به چندین مورد آن، می‌توان اشاره کرد: الف- سنت و آداب و رسوم ملی؛ مانند تضعیف زبان ملی و ایجاد اختلال زبانی، اضمحلال هویت تاریخی اقوام کهن کشور بر اثر نابودی نشانه‌ها و نمادها. ب- دین؛ مانند جایگزینی تدریجی اخلاق سکولار به جای اخلاق اسلامی. ج- هنر؛ از جمله، دگرگونی جهت گیری هنر از نگاه سنتی و بومی به نگاه غربی، تخلیه ارزش‌های الهی از هنر و تبدیل هنر مقدس به هنر سکولار. د- آموزش و پژوهش؛ مانند تضعیف جایگاه دانشمندان و متخصصان بومی، استقرار علوم مصرف کننده و غیر مولد در دانشگاه‌ها.

جهانی شدن با نفوذپذیر ساختن مرزها و افزایش چشمگیر برخوردهای فرهنگی، آگاهی انسان‌ها را از عناصر فرهنگی دیگر مانند هنجارها، ارزش‌ها، آداب و ادیان، بیشتر می‌کند(تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۱۰). جهانی‌شدن امکان بروز و عرضه عناصر فرهنگی محلی و فرامحلی- ملی را پدید آورده و حکومت ایران را با چالش‌های تازه‌ای رو به رو نموده است. کشور ایران که از فرهنگ‌های محلی مختلفی در قالب اقوام مختلف (ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب و...) تشکیل شده است؛ به واسطه گسترش ارتباطات و امکانات رسانه‌ای، این فرصت برای فرهنگ‌های قومی ایران پدید آمده تا فرهنگ خود را به شکلی دلخواه ارائه نماید و بر وجوه متفاوت و متمایز فرهنگ خود با فرهنگ ملی پافشاری نمایند که همین امر در دراز مدت چالش‌هایی را برای ایران به بار می‌آورد. تأکید نخبگان محلی و قومی بر تفاوت‌های فرهگی خود(مانند آداب و رسوم و نوع معاشرت، نوع نگاه به مسائل محلی و ملی، و...) سبب شده تا فرهنگ و هویت‌های محلی در سال‌های اخیر در حالت برجسته نسبت به فرهنگ و هویت ملی- ایرانی قرار گیرد(صالحی امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۴۱). در حالی که دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی در طول تاریخ مدیون گروه‌های مختلف قومی نظیر کردها، آذری‌ها، لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و عرب‌ها بوده است. چرا که هر یک با افزودن لایه‌های فرهنگی به دیرپایی، غنا و عظمت تمدن ایران افزوده‌اند.

ارزش‌های غربی نیز به چالش با ارزش‌های بومی- ایرانی پرداخته و موجد بحران هویت در داخل مرزهای جغرافیای سیاسی ایران می‌شوند. از این رهگذر هویت‌های مقاومت(در برابر فرهنگ مسلط ملی) شکل می‌گیرند(شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۴۶). از طرفی هم، فراگیر شدن گفتمان کثرت گرایی فرهنگی در سطح جهان، نوع نگاه به شهروندان و به ویژه اقلیت‌ها و قومیت‌ها، در نزد بخشی از حاکمان ایرانی تغییر یافته و تلاش‌هایی از جانب دولت و مجلس در راستای احقاق حقوق شهروندی و واگذاری پاره‌ای امور محلی به آنان انجام شده است(سینایی و ایراهیم

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

آبادی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). چالش دیگر اینکه جهانی شدن رسانه‌های اطلاعاتی- ارتباطی به ویژه نفوذ رسانه‌های خارجی در افکار افراد ملت ایران، نقش بسیار مهمی را در شکل دادن به دیدگاه‌ها و تفکرات عمومی حکومت و حاکمیت ملی ایفا می‌نماید. همین امر هم متقابلاً می‌تواند فرهنگ عدم اعتماد را در بین افراد ملت نسبت به مسئولان حکومتی به دنبال داشته باشد. جهانی شدن که اغلب از طرف نقطه مرکزی غرب توسعه خود را آغاز نمود، از طرف دیگر با گسترش تبادلات و تعاملات گروه‌های فرهنگی و سیاسی غرب، می‌رود که جا به جایی باورها و نهادهای دینی را در ایران به چالش کشد؛ یعنی به مروز زمان سکولاریزم به درون جامعه دینی ایران رسوخ نموده و بتدریج جنبه قدسی را از دین محو می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

جهانی شدن بر تمامی حوزه‌های فعالیت بشری از جمله جامعه، حکومت، هویت، امنیت، صلح، اقتصاد، سیاست و غیره تأثیر گذاشته و موجب تغییر در شیوه تفکر و تلقی انسان از روابط اجتماعی گردیده است. جهان ژئوپلیتیک پس از فروپاشی نظام دو قطبی، دستخوش دگرگونی بسیار شده است. تکنولوژی اطلاع رسانی چهارگوشه گیتی را به هم نزدیک می‌کند و فاصله‌های جغرافیایی را همزمان با فاصله‌های فرهنگی و تمدنی، دگرگون می‌کند. این روند، جنبه‌های ویژه‌ای از فرهنگ آمریکاییِ کنونی را جهانی می‌سازد و همین عامل توجه ملت‌ها را به هویت بومی خود جلب کرده و روند سیاسی دیگری را در نظام جهانی و در برابر روند جهانی شدن تحریک می‌کند. جهانی شدن سیاسی – اقتصادی همراه با گسترش سریع تکنولوژی اطلاع رسانی جهان سیاسی از هم گسیخته را به سوی ایده جامعه بشری[1] یا جامعه جهانی[2] یکنواخت می‌کشاند. تلاش ایالات متحده و بریتانیا به منظور چیره شدن بر جهان سیاسی از راه عملی ساختن ایده «نظام تازه جهانی» با به کار گرفتن تاکتیک‌های مفهوم‌سازی و خلق مفاهیم تازه، در این جهت است که هویت‌های گوناگون در خانواده بشری را در یک ساختار سیاسی جهانی یکدست ساخته و در زیر چتر به اصطلاح «هویت برتر» آمریکایی قرار دهد. یکی دیگر از مهمترین آثار منفی جهانی شدن بر هویت، آمریکایی شدن جهان در چارچوب و همراه با جهانی شدن‌ها است. همین جنبه از جریان جهانی شدن است که، دور شدن از هویت خود را میان ملت‌های گوناگون سبب می‌شود و این دوری بیشتر به گونه‌ی بازگشت به هویت ملی

[1]. Human community
[2] . Golobal community

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

خودنمایی می‌کند. به این ترتیب، در حال حاضر دو حرکت در نظام جهانی دیده می‌شود؛ نخست، حرکت در راستای جهانی شدن‌ها؛ دوم، حرکت به سوی نقش آفرینی‌های جهانی، از راه تحکیم شخصیت و هویت ملی در میان ملت‌های گوناگون از جمله ایران است. در این شرایط، گفتگو میان بلوک‌های تمدنی می‌تواند از ستیز میان هویت‌ها جلوگیری و همکاری و همگرایی و تفاهم را تشویق کند. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به شرایط خاص فرهنگی، هویتی، ماهیت نظام سیاسی و انباشته‌های تاریخی و تمدن خود نیازمند فهم دقیق و علمی پدیده‌های جهانی شدن و سپس انطباق خود با این مفهوم فراگیر می‌باشد. در عصر جهانی‌شدن که یک واقعیت می‌باشد، ما نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم؛ زیرا که در صورت عدم هوشیاری و آگاهی نسبت به این پدیده ممکن است تهدیداتی از جمله اضمحلال هویت تاریخی ایران را در پی داشته باشد. همان گونه که گفته شد هویت ایرانی نیز در ادوار تاریخی اثبات نموده که استعداد و ظرفیت استفاده از آموزه‌های جدید فرهنگی را دارد و می‌تواند ضمن حفظ شاکله‌های اصیل فرهنگی خود، فرهنگ‌های جدید را نیز در خود هضم کند. امروزه ایرانیان در تلاش هستند که با درک و شناخت درست شرایط و واقعیت‌ها و حضور آگاهانه در دایره زندگی کنونی، ژئوپلیتیک کنونی نظام جهانی را دریافته و بر طبق آن منافع خود را تعریف نمایند. هویت ایرانی نیز در ادوار مختلف تاریخی با مؤلفه‌های خاص تاریخی و جغرافیایی تعریف شده است. در دوران اسلامی هویت ایرانی با اعتقادات دینی آمیخته شد و بالاخره با رواج ایده‌های دنیای مدرن در ایران و تشکیل حکومت ملی، هویت ایرانیان با ملیت ادغام گردید. از آنجایی که جهانی شدن کشور ما را هم در برمی‌گیرد ما باید جهت تقویت و تثبیت هویت ایرانی و شناساندن خود و سود بردن از این جریان فراگیر از ظرفیت‌های خود از جمله: موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خاص، آموزه‌های انقلاب اسلامی و غیره به مثابه ظرفیت‌ها و فرصت‌های منحصر به فرد در فرایند جهانی شدن در حوزه سیاست، هویت و فرهنگ، تاریخ و تمدن غنی، نیروهای انسانی با استعداد، و غیره نهایت استفاده را داشته باشیم. راه تثبیت هویت ایرانی از بکارگیری دیپلماسی فعال و باور به ایده‌های فعال گذشته و مشارکت مراکز تولیدی و تجاری در اقتصاد بین‌المللی و همگرایی فرهنگی در مناطق مختلف به ویژه کشورهای همسایه را می‌طلبد، تا بر اساس بازسازی هویت‌ملی به نوسازی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن در عصر جهانی شدن نائل آییم.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

منابع و ماخذ

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۲) **هویت‌ملی ایرانی: بنیادها، چالش‌ها و بایسته‌ها**، مجله نامه پژوهش، شماره ۶، تابستان ۸۲، صص ۵۲-۵.

۲. احمدی، حمید (۱۳۸۲b) **هویت‌ملی در گستره تاریخ**، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱، صص ۴۶-۷.

۳. اخباری، محمد و نامی، محمد حسن (۱۳۸۸) **جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران**، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ص مقدمه.

۴. اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۷۶) **ایران و تنهائیش**، تهران: شرکت سهامی انتشار، ص ۳۸.

۵. باومن، زیگومنت (۱۳۷۹) **جهانی‌شدن بعضی مردم، محل‌شدن بعضی دیگر**، ترجمه دکتر فرهنگ ارشاد، مجله جامعه سالم، شماره ۳۷، صص ۵۶-۱۲.

۶. برگر، پیتر (۱۳۷۵) **غیر دینی شدن منشأ کثرت گرایی است**، ترجمه لیلی مصطفوی کاشانی، مجله نامه فرهنگ، زمستان ۱۳۷۵. شماره ۲۴، صص۶۴ تا ۷۳.

۷. بیگدلو، رضا (۱۳۸۰) **باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران**، تهران: نشر مرکز، ص ۱۰-۴.

۸. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳) **روایت غیرت و هویت در میان ایرانیان**، تهران: فرهنگ گفتمان. صص ۱۱۰-۱۳۴.

۹. جهانبگلو، رامین (۱۳۷۹) **گفتگوها، ایرانی و مدرنیته**، ترجمه حسین سامعی، تهران: نشر گفتار، ص ۳۱.

۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۰-۱۳۸۷) **جغرافیای سیاسی ایران**، تهران: انتشارات سمت. ص ۱۵.

۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) **تأثیر جهانی‌شدن بر هویت‌ملی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)**، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۲۱-۱.

۱۲. حقدار، علی اصغر (۱۳۸۰) **فراسوی پست مدرنیته– اندیشهٔ شبکه‌ای، فلسفه سنتی و هویت ایرانی**، تهران: انتشارات شفیعی، چاپ اول، ص۱۷۶- ۱۸۸.

۱۳. ربانی، رسول و احمدی، یعقوب (۱۳۸۴) **جهانی‌شدن و آینده فرهنگ‌های بومی**، ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی. شماره ۲۱۵-۲۱۶، مرداد و شهریور، صص ۵۱-۳۶.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۱۴. زهیری، علیرضا (۱۳۸۰) **انقلاب اسلامی و هویت ملی**، مجله علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۲۴-۱۰۵.

۱۵. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران (۱۳۸۵) **مرکز آمار ایران**.

۱۶. سینایی، وحید و ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۸۴) **کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی‌شدن و تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران**، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، بهار، صص ۱۴۰-۱۰۷.

۱۷. شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۸۶) **جهانی‌شدن؛ یکسان‌سازی یا تنوع فرهنگی و سیاست‌های ملی**، مجله معرفت، شماره ۱۲۳. اسفند، صص ۵۸-۳۵.

۱۸. شولت، یان‌آرت (۱۳۸۲) **نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن**، ترجمه احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، صص ۲۸۷-۲۶۵.

۱۹. شولت، یان آرت (۱۳۸۴) **نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن**، ترجمه: مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۲۳۴-۲۵۴.

۲۰. صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷) **جهانی‌شدن و سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه متین. زمستان، شماره ۴۱، صص ۹۴-۶۹.

۲۱. صحفی، محمد (۱۳۸۰) **ژئوپلیتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی**، تهران: انتشارات شمسا، ص ۱۷۳.

۲۲. عزتی، عزت الله (۱۳۷۱) **ژئوپلیتیک**، تهران: انتشارات سمت، ص ۶۷-۷۹.

۲۳. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳)، **هویت در ایران: رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی هویت و بحران هویت در ایران**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ص ۷۸.

۲۴. غلامی، رضا (۱۳۸۳) **ایران و جهانی شدن**، مجله زمانه، سال سوم، شماره ۲۹، صص ۸۰-۷۵.

۲۵. فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۴) **ایرانویچ، چاپ چهارم**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۳-۴۷.

۲۶. قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۶)، **«هویت ملی و توسعه اجتماعی در عصر جهانی شدن»**، فصلنامه اندیشه صادق، پاییز ۸۳ تا تابستان ۸۴، شماره‌های ۱۶ – ۱۷ - ۱۸- ۱۹، صص ۶۸-۴۹.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲۷. کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹) **ناحیه گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ص ۹۱.

۲۸. کیانی، داود (۱۳۸۰) **مقدمه‌ای بر جهانی شدن**، مجله اندیشه صادق، شماره ۵، زمستان، صص ۳۵-۲۸.

۲۹. گیمن، روشن (۱۳۷۵)، **دین ایران باستان**، ترجمه رویا منجم، تهران: انتشارات فکر روز، ص۷۸.

۳۰. گیدنز. آنتونی (۱۳۷۸) **تجدد و تشخص**، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران: نشر نی. ص ۹.

۳۱. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷) **هویت‌ایرانی در آستانه قرن بیست و یکم**، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۹-۱۳۰. خرداد و تیر، صص ۱۳۷-۱۲۴.

۳۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱) **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران: انتشارات سمت، ص۶۱-۵۸.

۳۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹) **ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی**، تهران: نشر نی. ص۱۳۹.

۳۴ مدیرشانه چی، محسن (۱۳۸۰) **گوناگونی در ایران زمینه ساز تکامل ملی و مرکزیت منطقه‌ای**، در کتاب همبستگی ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن اسلامی. ص۱۷۳.

۳۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵) **نگاهی به رهیافت‌های مختلف در مطالعه انقلاب اسلامی ایران**، فصلنامه راهبرد. شماره ۹، بهار، صص ۷۵.

۳۶. ملکی، عباس (۱۳۸۴) **انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل: موشکافی در طیف همسویی تا تعامل**، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱، تابستان، صص ۱۲۸-۹۱.

۳۷. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴) **تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی**، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱، تابستان ۸۵، صص ۹۰-۷۱.

۳۸. هرمیداس باوند، داود (۱۳۷۷) **چالش‌های برون مرزی و هویت‌ایرانی در طول تاریخ**، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۹ و ۱۳۰، صص ۷۱-۶۰.

Burbach, R. (2009) ***Golobalization and its discontents: the rise of postmodern socialism***, London: Pluto, Pp: 14-15.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Devos, George. (2005) ***Ethnic Pluralism, In G. Devos & l. Romanucci- Ross (Eds), Ethnic Identity***, Palo Alto, CA: mag field, p: 2-21.

Hraba, J. & Hoiberg, E. (2008) ***Origins of Modern Theories of Ethnicy, Sociological Quarterly***, Malan, 56, Pp: 275-293.

Kaul, I. et al. (2007) ***Global public goods: International cooperation in the 21st century***, London: oxford uni press, Pp: 65.

Mojtahed zadeh, p. (1996) ***The Amirs of Borderlands and Eastern Iranian Borders, Urosevic Foundation***, London, Pp:1-24.

Roosens, Eugeen. (2007) ***Creating Ethnicity, New bury park***, CA: Sag, Pp: 10-29.

Rugman, A.M and Verbeke, k. (2010) ***Global corporatve strategy and trade policy***. london: Routledge, Pp: 18-19.

Scholts, J. A. (2007) ***Global civil society in new word, the political economy of globalization***. London: Macmillan, ch 7, Pp: 78-45.

Smith, P. (2010) ***Globalization, citizenship and technology: the MAI meets the internet***. paper for the 41st annual convention of the international studies association, los Angeles, 14 – 18 march, p: 12-27.

Waterman, P. (2008) ***Globalization, social movement and new Internationalism***, London: mansell, pp: 78-87.

Waters, m. (2010) "***Globalization***", London and newyork: Routlege, Pp: 65-76.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]